

صحيفة الحسن عليه السلام

[283] ونيرنگت به طلحه، در زماني که به او مکر زده و او را به قتل رساندی (1)،

زشت باد چهره ات که چقدر کريه و ناپسند است. مروان سر به زیر انداخت و مغیره مبهوت ایستاد، امام علیه السلام رو به مغیره کرد و فرمود: أي کور قبيلهء ثقیف، تو را چه به قریش که نسبت به تو افتخار کنم، وای بر تو آیا مرا نمی شناسی، من پسر بهترین زنان و سرور زنان هستم، پیامبر ما را به علم الهی تغذیه کرده، و تأویل قرآن و مشکلات احکام را آموخته ایم، عزت برتر و افتخار و برتری از ماست. و تو از گروهی هستی که در جاهلیت نسبی نداشته و در اسلام بهره ای ندارند، بندهء فراری را چه شده که با شیران برخورد کرده و مزاحم قهرمانان گردد و دم از افتخار زند، ما سروران، و ما مدافعان برتر هستیم، از پیمانمان حمایت کرده و عیب و ننگ را از خود دور می کنیم، و من پسر زنان پاک هستم. تو اشاره کردی - بر اساس گمانت - به وصی برترین پیامبران، و او به ناتوانیت داناتر و به ضعف آگاهتر بود، و تو برای رد کردن خودت نسبت به

_____ 1 - ابن اثیر در اسد الغابة گوید که سبب قتل

طلحه آن بود که مروان به سوی طلحه - که در میدان جنگ ایستاده بود - تیری پرتاب کرد، اگر آن را می بستن پاهایش ورم می کرد و اگر باز می گذارند خون جاری می شد، مروان گفت: او را رها کنید آن تیری بود که خداوند فرستاد، و طلحه از آن تیر مرد، و رو به سوی ابان بن عثمان کرد و گفت: بعضی از قاتلان پدرت را کشتم. (*)
